



آیا پیامبر(ص) در قبال هدایت مردم به دنبال اجر بود

برخی مدعیان در مباحثات خود می‌گویند که پیغمبر(ص) با وجود گفته‌اش که اجری در برابر هدایت مردم دریافت نمی‌کند، دوستی اهل بیت را از آنها خواسته است. اما راه اثبات صدق مدعی نبوت چیست؟

برخی مدعیان در مباحثات خود می‌گویند که پیغمبر(ص) با وجود گفته‌اش که اجری در برابر هدایت مردم دریافت نمی‌کند، دوستی اهل بیت را از آنها خواسته است. اما راه اثبات صدق مدعی نبوت چیست؟

خبرگزاری فارس - حجت‌الاسلام والمسلمین علی ربانی گلپایگانی (استاد کلام حوزه علمیه قم): یکی از مهمترین مباحث نبوت، راه اثبات صدق مدعی نبوت یا تشخیص صادق بودن مدعی است. قرآن کریم معجزه را به عنوان بیّنه یا بیّنات معرفی می‌کند که مصداق روشن‌اش همان معجزات انبیاء الهی است و در آن یک دلالت عقلی برهانی در صدق دعوی نبوت بیان شده است.

بنابراین براساس آیات قرآن کریم علاوه بر بیّنه برهانی از استدلال خطابی هم استفاده شده است، یک نمونه آن را در سخنان حضرت هود (ع) که خطاب به قومش می‌گوید «من از شما مزدی طلب نمی‌کنم تنها از خداوند اجر دریافت می‌کنم»، مشاهده می‌کنیم. بنابراین این سخن نشانه‌ای از صدق مدعی است گرچه دلالت قطعی و برهانی ندارد اما دلالت اقناعی دارد.

برخی از افراد در مباحثاتشان می‌گویند با وجود اینکه پیامبر (ص) در قرآن گفته که از مردم اجری در برابر هدایتش نمی‌خواهد مگر دوستی اهل بیت، این هم نوعی اجر است! در حالی که غرض از رسالت پیامبر (ص) تربیت نفوس و سعادت‌مندی مردم «یزکیهم و يعلمهم الكتاب والحکمة» حال مردم برای اینکه به این هدف دست یابند نیازمند دوستداری اهل بیت پیامبر (ص) هستند بنابراین در حقیقت این مزد هم به خود مردم باز می‌گردد.

در جای دیگری هم پیامبر (ص) می‌فرمایند که اگر کسی می‌خواهد راه پروردگار را ببیماید، باید به سخنان من گوش دهد و این همان مزدی است که تبعیت از دین و آیین پیامبر (ص) محسوب می‌شود. روایات پیامبر (ص) از جمله ثقلین نیز ریشه‌اش به آیات قرآن باز می‌گردد. پس در حقیقت پیامبران الهی از مردم چیزی نمی‌خواهند مثلاً بگویند ما شما را هدایت می‌کنیم در ازای آن وجه مالی یا احترام را برای ما قائل شوید.

نکته دیگر اینکه مردم به پزشک و روحانی اعتماد دارند و مسائلشان را با آنها در میان می‌گذارند بنابراین در برابر آیه «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» باید به خدا هم اعتماد داشته باشیم و معنایش این است که تابع قضا و قدر الهی باشیم و به سلیقه خود زندگی نکنیم.

پیامبر (ص) در جواب عده‌ای که می‌گفتند قرآن دیگری برای اثبات معجزه خود بیاور، گفتند که اگر خدا به ایشان وحی نکرده بود همین را هم نمی‌توانستند تلاوت کنند و آموزش دهند، یک احتمال این است که پیامبر (ص) می‌توانسته قرآنی بیاورد اما انگیزه‌اش را نداشته و اگر این احتمال را صحیح بدانیم معنی‌اش این است که قرآن را خودش ساخته باشد که اگر اینطور بود چرا در مدت چهل سال زندگی‌شان آن را مطرح نکرده بود؟ بنابراین این استدلال برهانی نیست بلکه خطابی است اما اگر احتمال بدهیم که نمی‌توانسته از خودش قرآن را نازل کند، عاقلانه می‌شود و این استدلال برهانی است.

نکته دیگر این است که آیا نفس پیغمبر (ص) به ماهو بشر بوده است؟ پاسخ خیر است چرا که نفس ایشان هم در همان محیطی پرورش یافته که عرب جاهلی پرورش می‌یافته و دانا و دانشمندی وجود نداشته است.

اینطور هم نمی‌توانیم بگوییم که پیغمبر (ص) یک انسان نابغه بوده چرا که قرآن کریم با آن همه مباحث اقتصادی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، مدنی، تربیتی و ... با نبوغ قابل تفسیر نیست حتی ابن سینا هم که نابغه بوده در بحث توحید پایش می‌لنگیده است بنابراین پیغمبر (ص) در یک محیط کاملاً بسته، ساده و بسیط قرآن کریم را که از طرز فکرهای شرک آلود و جاهلانه دور بوده، دریافت کرده و در بین مردم هم این اتفاق افتاده است. بنابراین قرآن براساس مباحث ربوبی به پیغمبر (ص) نازل شده و این بر اساس استدلال برهانی ثابت می‌شود.